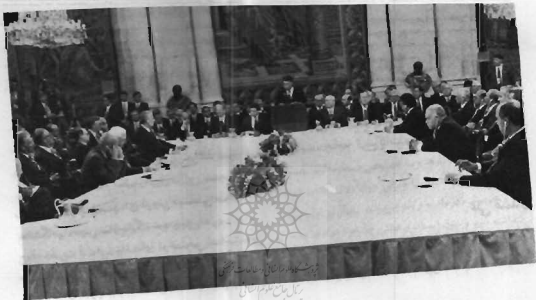


● کنفرانس مادرید

تکرار ننگین گمشده دیوید



وَلَنْ نَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ.

سرانجام در میان شدیدترین تدابیر امنیتی، کنفرانس خیانت‌بار مادرید هم‌زمان با سالگرد سقوط «اندلس» و کشتار مسلمانان توسط صلیبون گشایش یافت. این در حالی بود که با اعلام روزهای برگزاری کنفرانس به‌عنوان عزای عمومی از سوی مسلمانان فلسطینی، اعتصاب سراسری سرزمینهای اشغالی را فرا گرفته و در اکثر کشورهای اسلامی تظاهرات و اعتراضهایی علیه این نشست ذلت‌بار که تلاشی برای تحمیل اراده آمریکا و اسرائیل به جهان اسلامی است برپا گردید. در این تظاهرات پرچمهای آمریکا و اسرائیل غاصب به آتش کشیده شد و از میان دولتهای اسلامی فقط کشور جمهوری اسلامی ایران، لیبی، سودان و عراق مخالفت خود را با صلح امریکائی خاورمیانه اعلام نمودند.

بطور کلی می‌توان گفت فرآیند سازش میان اعراب و اسرائیل پس از جنگ ۱۹۷۳ آغاز شد. انعقاد معاهده ننگین کمپ‌دیوید سد را شکست و حال در ادامه همان خیانت، دولتهای عربی به خود اجازه دادند آمال مسلمانان را زیر پا گذاشته و بر سر میز مذاکره مستقیم با دشمن غاصب سرزمینهای مقدس مسلمانان بنشینند و وقاحت را به حدی برسانند که وزیر خارجه مصر اعلام نماید «اسرائیل نیز حقی دارد که بر کشورهای عربی

پوشیده نیست؟!».

البته دولتهای عربی هیچگاه موضعگیری صادقانه‌ای در برابر اشغال فلسطین نداشته‌اند و سرنوشت کسانی که تن به این ذلت دادند بهتر از سادات خائن نیست و به فرموده رهبر معظم انقلاب «کسانی که در این کنفرانس شرکت کردند مبتوض ملتها خواهند شد».

طرح کنفرانس بین‌المللی باصطلاح صلح خاورمیانه نخست در سال ۱۹۸۷ از سوی «میشران» و «گورباچف» رؤسای جمهوری فرانسه و شوروی عنوان شد. لکن پس از فروپاشی کمونیسم و پیروزی آمریکا در جنگ خلیج فارس، سلطان بزرگ در جهت استقرار نظم نوین جهانی مورد نظر خود تمزیه‌گردانی قضیه را بدست گرفت و «جیمز بیکر» وزیر امور خارجه آمریکا میدان‌دار این ماجرا شد. گرچه کنفرانس با ریاست مشترک آمریکا و شوروی برپا گردید لکن برکسی پوشیده نیست که نقش شوروی بخصوص پس از وقوع کودتا در

* کنفرانس تهران خواب خوش امپریالیستها و صهیونیستها را به کابوسی دهشتناک مبدل ساخت.

کرد. همچنین باید به تلاش بی امان امپریالیسم خبری با حدود پنج هزار خبرنگار برای تحت پوشش قرار دادن تمامی دنیا از اخبار مربوط به کنفرانس اشاره کرد در این رابطه می توان از کوشش فراوان شبکه تلویزیونی سی-ان-ان آمریکا برای شکستن سد روانی خصومت با اسرائیل نزد افکار عمومی کشورهای عربی نام برد.

اهداف مورد نظر آمریکا از برگزاری کنفرانس

بزرگترین هدف آمریکا به رسمیت شناخته شدن رژیم غاصب اسرائیل از سوی اعراب است در حال حاضر تلاشهای نزدیک به نیم قرن آمریکا و صهیونیستها برای تحقق این هدف شوم می رود تا نتیجه های ذلت بار خود را برای پذیرش موجودیت غاصبان به ثمر برسانند. در این راه همراهی شوروی که پس از ۲۴ سال اقدام به از سرگیری مناسبات سیاسی خود با رژیم اشغالگر قدس نموده نیز نشانگر نقش ابرقدرتها در این توطئه است بطوریکه هماهنگی جهانخواران در ایجاد دولت غاصب صهیونیستی در اوایل قرن بیستم را به ذهن متبادر می سازد. رئیس جمهوری آمریکا در اظهارات یک جنبانه خود در حمایت از اسرائیل اعلام می نماید که «هدف فقط پایان جنگ و

آن کشور ظاهری و نمادین بود. از طرف دیگر چون دولت فرانسه نیز در این بازی نقشی نداشت، ناخشنودی این کشور را بدنبال داشت. سازمان ملل نیز بعنوان ناظر در این کنفرانس شرکت



*** سفیر اسرائیل در امریکا:
اسرائیل تنها ۲۰ درصد
اراضی وعده داده شده
صهیونیسم را در اختیار دارد و
به اندازه کافی سرزمینهای
خود را به اعراب بخشیده
است!!**

مخاصه در خاورمیانه نیست بلکه هدف تأمین امنیت، روابط دیپلماتیک، مناسبات فرهنگی، بازرگانی و اقتصادی بین کشورهای منطقه با اسرائیل است.» جمیز بیکر نیز رسماً اعلام نمود که «ما ایجاد یک دولت فلسطینی را تأیید نمی کنیم». حال دوباره عرفات بیاید و اعلام کند که آماده است هرگونه تقسیمی برای تأمین امنیت اسرائیل را بپذیرد.

از طرف دیگر رژیم صهیونیستی هیچگاه خواهان صلح واقعی نبوده و نیست بلکه می خواهد اعراب در یک حالت ذلت بار با او سازش کنند. ترکیب هیأت صهیونیستی شرکت کننده در نشست مادرید که اکثریت آن از جناح «شاهین ها» (جنگ طلبان) هستند مؤید این مطلب می باشد. اسحق شامیر در این کنفرانس بارها اعلام نموده که در هیچ مرحله ای از مذاکرات حاضر به گفتگو درباره بیت المقدس نخواهد بود و حتی در آستانه کنفرانس، ورود فلسطینیان به بیت المقدس را ممنوع اعلام کرد. همچنین باید به اظهارات سفیر اسرائیل غاصب در امریکا اشاره شود که اعلام نمود: «اسرائیل تنها بیست درصد از اراضی وعده داده شده صهیونیسم را در اختیار دارد و به اندازه کافی سرزمینهای

خود را به اعراب بخشیده است!؟» که این خود ماهیت توسعه طلبی غاصبان را بیش از پیش نمایان ساخته و نیات پلید آنها در تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات را آشکار می سازد.

قلب متعلق به فرزندم است...

و قلب پسرم به دستک تعلق دارد



هیأت‌های عربی شرکت کننده نیز اهدافی را دنبال می نمودند. سوریه خواستار عقب نشینی اسرائیل از سرزمینهای اشغالی ۱۹۶۷ و اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل می باشد و در این راه تضمین هائی نیز از امریکا دریافت کرده است. هیأت لبنانی هم با یک «هدف منحصر به فرد» به مادرید رفته و آن به کار بسته شدن بدون قید و شرط؟! قطعنامه ۲۴۵ شورای امنیت درباره تخلیه جنوب لبنان است. هیئت‌های اردنی، فلسطینی و مصر نیز خواهان پذیرفته شدن اصل «زمین در برابر صلح» از سوی اسرائیل بوده و نیز خواهان اجرای قطعنامه های سازمان ملل می باشند.

از آنجا که خط مشی دولت امریکا طولانی شدن گفتگوهای صلح بین اعراب و اسرائیل است، نخستین دور مذاکرات در فضایی از تردید و بدگمانی پایان یافت. لکن بوش اعلام نمود: «همین که ما نتوانسیم تمام طرفین را گرد هم آوریم خود یک موفقیت به حساب می آید و بسیار راضی هستیم.» اشتباه او این است که در محاسبه خود جایگاهی برای ملت‌های بیدار متوقفه در نظر نگرفته است.

از یک طرف اسحق شامیر اظهار داشت: «کنفرانس مادرید یک فرصت بی سابقه برای مذاکره با چندین مسئول عربی در یک زمان است.» در خلال این نشست‌ها دولت‌های عربی مذاکره مستقیم با اشغالگران را پذیرفتند و این موضوع برای رژیم غاصب صهیونیستی یک موفقیت بسیار بزرگ محسوب می گردد چرا که آنها بدون آنکه کمترین امتیازی بدهند موفق شدند موجودیت خود را به اعراب تحمیل نمایند و این در حالی بوده که اعراب پذیرش مذاکرات دوجانبه را مشروط به توقف احداث شهرک‌های یهودی نشین و نیز توقف حملات علیه جنوب لبنان کرده بودند که نه تنها برآورده نشد بلکه در خلال مذاکرات، صهیونیستها اقدام به افتتاح یک آبادی یهودی نشین در بلندی‌های جولان نموده و بر شدت حملات خود در جنوب لبنان افزودند! که ننگ و ذلتی از این بالاتر برای اعراب نمی توان سراغ کرد. از طرف دیگر

شکسته شدن طلسم عدم مذاکره برای غاصبان مهم بود که به آن نیز دست یافتند و انتظار می رود در یک دوره طولانی با شیوه دیپلماسی رفت و برگشت کل مسئله را بصورت سیاسی حل کنند. غافل از اینکه گرچه دولت‌های خودفروخته عربی تن به این ننگ و ذلت داده‌اند لکن ملت‌های مسلمان بیدار شده‌اند و حتی این خیانت جدید دولت‌های عربی خود عامل تشدید انتقاضه گردید.

انقلابی که با الهام از دست‌آورد‌های انقلاب اسلامی ایران توانسته است تمام رویاهای صهیونیستها را که می خواهند هویت ملت فلسطین را نابود کرده و این ملت را در اسرائیل ذوب کنند بر باد داده است. تا جائیکه امریکا برای توفف ایجاد شهرک‌های یهودی نشین پیشنهاد توقف انتقاضه را می دهد و اشغالگران نیز با صراحت خواستار پایان آن می شوند.

در این میان، ایران انقلابی با الهام از اندیشه‌های حضرت امام خمینی (س)، با تحریم کنفرانس مادرید جبهه مخالف جدیدی در مقابل مصالحه با اسرائیل ایجاد نموده است که جا دارد از اقدام بسیار شجاعانه و بحق مجلس شورای اسلامی در برپایی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین و رهنمودهای حکیمانه رهبری معظم انقلاب و موضع گیری‌های شایسته ریاست محترم جمهوری صمیمانه تشکر کرد. چرا که

کنفرانس تهران امید فراوانی به مستضعفان جهان و ملت مظلوم فلسطین بخشید و خواب خوش امپریالیستها و صهیونیستها را به کابوسی دهشتناک مبدل ساخت و انشاءالله ثمرات کنفرانس تهران پا پیگیری مصریات آن از به هدر رفتن خونهای مقدسی که برای رسیدن به اهداف عمالیه مسلمانان، سرتاسر سرزمینهای مقدس فلسطین و قفس عزیز را رنگین نموده است جلوگیری خواهد نمود و با یاری همه مسلمانان و آزادگان دردمند و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله، قدس به پیکر مسلمین باز خواهد گشت و اهداف متعالیه مسلمانان محقق خواهد شد. به امید آن روز.
واحد سیاسی